

ثلاثی مزید - درس ۳ عربی دهم ریاضی و تجربی

فعل از لحاظ حروف اصلی به ثلاثی (سه حرفی) و رباعی (چهار حرفی) تقسیم می شود. و بحث ما فقط راجع به فعل ثلاثی

می باشد .

ثلاثی : هرگاه فعل از سه حرف اصلی تشکیل شده باشد ، به آن ثلاثی گویند مانند : قَتَلَ که سه حرف اصلی آن (ق ت ل)

است . فعل ثلاثی به ۲ دسته مبرد و مزید تقسیم می شود .

ثلاثی مجرد : فعلی که اولین صیغه ماضی آن فقط دارای سه حرف باشد، به آن ثلاثی مجرد گویند . مانند : کَتَبَ ، فَرَبَّوا .

ماضی ، مضارع و امر این دسته از افعال معمولاً سماعی است که باید از کتب لغت یا با تکرار و تمرین آن را یاد گرفت .

ثلاثی مزید: فعلی که اولین صیغه ماضی آن بیش از سه حرف باشد به آن ثلاثی مزید گویند مثل اُرْسَلُ که دارای یک حرف

زائد «أ» می باشد ماضی مضارع و امر و مصدر افعال ثلاثی مزید قیاسی است یعنی قالبی مشخص دارد .

میزان و ملاک تشفیص ثلاثی مجرد از مزید : ملاک برای تشفیص فعل ثلاثی مجرد از مزید ، اولین صیغه ماضی است . اگر اولین

صیغه ماضی دارای سه حرف باشد ثلاثی مجرد است و اگر بیش از سه حرف باشد ثلاثی مزید می باشد .

ابواب ثلاثی مزید :

ثلاثی مزید دارای هشت باب است که هر باب از ثلاثی مزید را به نام مصدرش می نامند که عبارتند از : اِفعال ، تَفْعیل ،

مُفَاعَلَه ، تَفَعَّلَ ، تَفَاعَلَ ، اِفْتَعَلَ ، اِنْفَعَلَ ، اِسْتَفَعَلَ و بردن هر فعل به باب های متعدد به خاطر به دست آوردن معانی جدید است .

باب تَفَعَّلَ

در این باب ۲ حرف به حروف اصلی می افزاییم به این ترتیب که بر سر آن «تاء» و عین الفعل را مشدّد می کنیم که ماضی

آن بر وزن تَفَعَّلَ و مضارع بر وزن يَتَفَعَّلُ و امر آن بر وزن تَفَعَّلْ و مصدر بر وزن تَفَعَّلْ می آید .

پند نکته :

۱. هر فعل مزیدی که در ماضی ، مضارع و امر خود دارای تشدید و ت زائد باشد ، به طور قطع مزید باب تَفَعَّلَ است .

۲. بعضی از صیغه های امر و ماضی شبیه به هم هستند ، از روی معنا تشفیص می دهیم که ماضی است یا امر . مانند :

تَعَلَّمُوا : یاد گرفتند ، که ماضی و اگر به معنی یاد بگیرد باشد امر است .

۳. فعل های این باب اغلب لازم می باشند و گاهی متعدی دیده می شوند .

. تَقَرَّبَ = نزدیک شد تَكَثَّرَ = زیاد شد تَعَلَّمَ = یاد گرفت

باب تفاعل

در این باب ۲ حرف به صروف اصلی اضافه می شود به این ترتیب که اولاً قبل از فاء الفعل تاء می آورند و ثانیاً پس از فاء الفعل الفی می افزاییم ، که ماضی آن بر وزن تفاعل و مضارع آن بر وزن یتفاعل ، امر بر وزن تفاعل و مصدر آن بر وزن تفاعل می آید .

نکته:

این باب برای مشارکت دو طرفه بکار می رود و در ترجمه آن از کلماتی مانند " با هم ، با یکدیگر " استفاده می کنیم و غالباً مفهوم لازم را دارد. مانند : تَعَاوَنَ النَّاسُ = مردم با یکدیگر همکاری کردند .

باب انفعال

در این باب دو حرف همزه و نون بر سر فعل می افزاییم که ماضی آن بر وزن « اِنْفَعَلَ » و مضارع آن بر وزن « يَنْفَعِلُ » ، امر بر وزن اِنْفَعِلْ و مصدر آن بر وزن اِنْفَعَال می آید .

نکته :

۱. گاهی ممکن است فعل های باب های افعال و انفعال با هم اشتباه شوند که در این صورت باید با توجه به ریشه ، باب

آنها تشخیص داد . مانند : اِنْتَار ، اِنْقَلَبَ ، اِنْتَفَاع ، اِنْمَرَفَ ، اِنْتَشَار

۲. باب انفعال ، معنایی لازم دارد . اِنْمَرَفَ = روانه شد

۳. همزه این باب همزه وصل می باشد

باب استفعال :

در این باب ۳ حرف زائد بر سر فعل می آوریم و ماضی آن بر وزن اِسْتَفْعَلَ و مضارع آن بر وزن يَسْتَفْعِلُ و مصدر بر وزن

استفعال می آید .

باب استفعال برای طلب و درخواست بکار می رود و فعل در این باب غالباً متعدی می باشد .

مثال : اَسْتَغْفِرُ اللهَ . از خدا طلب بخشش می کنم .

نکته: باب های تَفَعَّلُ ، تفاعل ، انفعال و افتعال دارای ۲ حرف زائد هستند و باب استفعال دارای ۳ حرف زائد است .

*سه باب افتعال ، انفعال و تَفَعَّلُ غالباً برای اثر پذیری یا مطاوعه بکار می روند به بیان دیگر فعلی که به یکی از این سه باب

برود ، فاغل آن فعل ، اثر فعل را می پذیرد و قبول می کند .

| معنا | حروف زائد | حروف اصلی | مصدر (باب) | امر | مضارع | ماضی |
|---------------|--------------------|-----------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| متعدی ساختن | أ | ف،ع،ل | إِفْعَال | أَفْعِلْ | يُفْعِلُ | أَفْعَلَّ |
| | أ | ح،س،ن | إِمْسَان | أَمْسِنِ | يُفْسِنُ | أَمْسَنَ |
| متعدی ساختن | تکرار عین الفعل | ف،ع،ل | تَفْعِيل | فَعَّلْ | يَفْعَلُّ | فَعَّلَّ |
| | تکرار لام | ع،ل،م | تَعْلِيم | عَلِّمْ | يُعَلِّمُ | عَلَّمَ |
| مشارکت | أ | ف،ع،ل | مُفَاعَلَةٌ | فَاعِلْ | يُفَاعِلُ | فَاعَلَّ |
| | أ | ک،ت،ب | مُكَاتَبَةٌ | كَاتِبْ | يُكَاتِبُ | كَاتَبَّ |
| اثر پذیری | ت، تکرار عین الفعل | ف،ع،ل | تَفَعُّل | تَفَعَّلْ | يَتَفَعَّلُ | تَفَعَّلَّ |
| | ت، تکرار لام | ع،ل،م | تَعَلُّم | تَعَلَّمْ | يَتَعَلَّمُ | تَعَلَّمَ |
| مشارکت | ت، ا | ف،ع،ل | تَفَاعُل | تَفَاعَلْ | يَتَفَاعَلُ | تَفَاعَلَّ |
| | ت، ا | ک،ت،ب | تُكَاتَبُ | تُكَاتِبْ | يَتُكَاتِبُ | تُكَاتَبَّ |
| اثر پذیری | ا، ت | ف،ع،ل | إِفْتِعَال | إِفْتَعِلْ | يُفْتَعِلُ | إِفْتَعَلَّ |
| | ا، ت | ج،م،ع | إِجْتِمَاع | إِجْتَمِعْ | يَجْتَمِعُ | إِجْتَمَعَ |
| اثر پذیری | ا، ن | ف،ع،ل | إِنْفِعَال | إِنْفَعِلْ | يُنْفَعِلُ | إِنْفَعَلَّ |
| | ا، ن | ق،ل،ب | إِنْقِلَاب | أَنْقَلِبْ | يَنْقَلِبُ | أَنْقَلَبَّ |
| طلب و درخواست | ا، س، ت | ف،ع،ل | إِسْتِفْعَال | إِسْتَفْعِلْ | يَسْتَفْعِلُ | إِسْتَفْعَلَّ |
| | ا، س، ت | خ، د، م | إِسْتِفْرَام | إِسْتَفْرِمْ | يَسْتَفْرِمُ | إِسْتَفْرَمَّ |

اجتماع التلاميذ في ساحة المدرسة : دانش آموزان در حیاط مدرسه جمع شدند . (بنابر این دانش آموزان فعل جمع شدن را

پذیرفته اند .)

تَعَلَّمَت فاطمةُ الدرسَ . فاطمه درس را یاد گرفت . (یعنی فاطمه فعل یاد گرفتن را پذیرفت .)

مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي

هرکس خواهان بزرگی و سرافرازی است شبها را بیدار می ماند .